

## او تاکید داشت که جهاد باید ضد اسرائیلی باشد...

■ احمد جبریل، دبیر کل جبهه خلق برای آزادی فلسطین  
مقاله اختصاصی برای شاهد یاران

احمد جبریل، دبیر کل جبهه خلق برای آزادی فلسطین (فرماندهی کل) یکی از پیشتازان مبارزات ضد صهیونیستی است که در پی تحولات صورت گرفته که متأثر از صحنه‌های دگرگون شده در مبارزه گروه‌های فلسطینی علیه رژیم اشغالگر قدس بود، از جبهه خلق که دکتر جرج جیش دبیر کلی آن را بر عهده داشت، منشعب و جبهه جدیدی را بنیان نهاد که ذکر آن رفت. او که معتقد است به دلیل حرف‌های بسیاری جدیدی که دکتر فتحی شقافی و همراهانش در دوران حبس در زندان‌های صهیونیست‌ها، مخصوصاً در زمینه مسائل جهاد اسلامی و شیوه مبارزه در چارچوب‌های اسلام و آموزه‌های قرآنی داشتند، او و یارانش در جبهه خلق برای آزادی فلسطین را هر روز بیشتر به این شهید و تفکرش نزدیک‌تر کرد در زمینه خصوصیات این شهید و تفکرش مطلبی را به تحریر در آورده که در زیر می‌خوانید.



درآمد:

احساس می‌کرد که با این درخواست او در جنبش اخوان المسلمین موافقت نمی‌شود از این رو تصمیم گرفت راه دیگری را که جهاد است و با تکیه به عقیده اسلامی باشد در پیش بگیرد. ایشان به ما گفت که ما باید با اسلحه و مهمات و رویارویی با این دشمن به مقابله بپردازیم. وی هنگامی که از دانشگاه فارغ التحصیل شد با من صحبت کرد و تمایل خود را به اشتغال به کار طبابت در شهر قدس ابراز داشت و اندیشه جهاد اسلامی را نوید می‌داد و من مطمئن هستم که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) در اندیشه و دل شهید فتحی شقافی اثر بسیاری گذاشته است. وی قاطعانه به من گفت که من به حمل اسلحه برای مقابله با رژیم اسرائیل با عقیده اسلامی اشتیاق داشتم ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ این ایمان من فزونی یافت و اطمینان پیدا کردم که این بیداری اسلامی که امام خمینی (ره) آغازگر آن بود در اسلام در مقابله با صهیونیست‌ها و مزدوران غربی آن‌ها ادامه یابد.

بدینسان همکاری ما با شهید فتحی شقافی در فضای بحث‌های سیاسی محدود نبود، بلکه این همکاری به فراتر از آن و به موضوع عملی و مسائل لجستیکی و مسائل مربوط به آموزش برادران در جنبش جهاد انتقال یافت، این روابط روز به روز قوی‌تر می‌شد و در پی ورود این فرماندهی با نفوذ از سازمان آزادیبخش فلسطین به بخش غزه این روابط بیشتر شد و من و شهید شقافی به هم مشورت می‌کردیم که نبرد ما اکنون وظیفه دیگری پیدا کرده است که این وظیفه جهاد تنها ضد صهیونیست‌ها نبود بلکه در رابطه با تلاش‌های سیاسی گمراه‌کننده‌ای بود که علیه ملت فلسطین در پی قرارداد اسلو ایجاد شده بود. آن‌ها این وهم را به وجود آورده بودند که توافق اسلو یک کشور فلسطینی را در سرزمین‌هایی که از سال ۱۹۶۷ اشغال شده بود و پایتخت آن قدس خواهد بود به ارمغان خواهد آورد. این گرایش در سازمان آزادیبخش فلسطین سرآغازی برای

مخالفت می‌کردند. ولی بعد از آن در پی دیدار با حافظ اسد رئیس جمهور فقید سوریه و تشریح اوضاع برای وی، ایشان در موضع خود نرمشی از خود نشان داد و با این درخواست موافقت کرد که در وهله نخست از ابو ابراهیم فتحی شقافی در دفترهای جبهه خلق برای آزادی فلسطین استقبال کردیم و روابط ما رو به نزدیکی نهاد و روزی نمی‌گذشت مگر این که با هم تماس و یا این که با برادران عضو جنبش جهاد و در رأس آن‌ها با شهید فتحی شقافی دیدار داشتیم.

من دیدارهای مفصل و طولانی با ایشان داشتم که طی آن درباره این اندیشه یعنی جنبش جهاد اسلامی گفتگو می‌کردم. وی درباره زمان تحصیلات خود در دانشگاه طنطا در المنصوره مصر بطور مفصل برایم صحبت می‌کرد. ایشان از فارغ التحصیلان دانشگاه قاهره و یا اسکندریه و یا از دیگر دانشگاه‌های مصر نبودند و گمان می‌کنم از فارغ التحصیلان دانشگاه المنصوره بودند. ایشان در گذشته جزو جنبش آزادی خواهان اخوان المسلمین بودند. ولی او از این جنبش می‌خواست که به وظیفه جهادی خود نسبت به مسأله فلسطین عمل نماید. وی

### شهید فتحی شقافی



**رابطه‌ای که میان ما و برادران جنبش جهاد وجود دارد روابط سیاسی و یا شخصی نیست. چون این روابط بسیار بزرگ است که لازم است پیرامون ماهیت این روابط و تأثیر آن بر مبارزه در داخل فلسطین بحث شود.**

بسم الله الرحمن الرحيم  
آشنایی من با شهید ابراهیم فتحی شقافی در پی تبعید ایشان از سرزمین‌های اشغالی فلسطین به لبنان صورت گرفت. ولی ما در این جبهه پیش از آن می‌شنیدیم که یک جنبش جهادی در درون بازداشتگاه‌ها و زندان‌های دشمن وجود دارد و دوستان ما در درون این زندان‌ها این اطلاعات را به ما می‌رساندند در حالی که ما منتهای خوشبختی را احساس می‌کردیم که نیرو و عامل اسلامی وارد این مبارزه شده است.

ما در انتظار این عامل اسلامی بودیم تا در درجه نخست نسبت به معنای اسلام و جهاد آشنایی پیدا کنیم و موضوع دیگر این که ما در مقابله با دشمن در وضعیت بسیار دشواری قرار داشتیم و به کمک و به خون تازه‌ای نیاز داشتیم. از این رو هنگامی که به مبادله اسرا میان جبهه خلق برای آزادی فلسطین فرماندهی کل و رژیم اسرائیل در سال ۱۹۸۵ بنام عملیات الجلیل پرداختیم، مایل بودیم که کلیه کسانی را که درباره سازمان تازه‌ای به نام جهاد اسلامی سخن می‌گفتند آزاد کنیم. این افراد جزو فرماندهی‌های عمده در جنبش جهاد اسلامی بودند. ولی پس از دیداری که با شهید فتحی شقافی در لبنان داشتم به ایشان گفتم که لازم است شما همه تلاش خود را انجام دهید تا به سوریه بیاید تا مرکز فرماندهی شما در سوریه باشد. این درست است که در آن زمان یک نوع از فعالیت تبلیغاتی و جنبش مردمی برای شما وجود داشت ولی پایگاه راهبردی که برای مبارزه شما وجود داشت باید در سوریه باشد.

ما و برادران سوری حقیقتاً برای فراهم کردن زمینه حضور جنبش جهادی اسلامی در خاک سوریه تلاش‌های زیادی انجام دادیم.

هنگامی که می‌گویم تلاش‌های زیادی انجام دادیم، ما نمی‌خواهیم این مطلب را بیشتر باز کنیم چرا که در آغاز برادران سوری ما با حضور جنبش جهادی در سوریه



و آن‌ها را در زندان‌ها شکنجه کردند و برخی از بازداشت‌شدگان در کرانه باختری و در بخش غزه زیر شکنجه این دارو دسته شهید شدند. در همان زمان به یاد دارم که دکتر فتحی آمد و گفت: من اقدام به روند انتقال درونی در خود می‌نمایم. ما چنین توفعی نداشتیم. ما درباره این‌ها و حقیقت این‌ها سخن می‌گفتیم. این‌ها صهیونیست‌های داخلی هستند. صهیونیست‌های خارج هم داریم. این درست است که اشکالاتی در داخل جهاد وجود داشت و من سعی می‌کردم آن اختلافات را برطرف کنم. ما توانستیم برخی از را برطرف کنیم ولی در بعضی چیزهای دیگر توان برطرف کردن را نداشتیم. ولی دکتر فتحی شقایق در اندیشه خود سعه صدر داشت و توانست با آن شیوه

من نیز تلاش می‌کنم حقیقت آنچه روی داد را بدانم چون این جنایتی که علیه جنبش جهاد و این مجاهد سرسخت و آگاه روی داد در واقع برای ما همچون صاعقه، کوبنده بود. خدا را شکر می‌کنم البته من نسبت به سرنوشت ابو ابراهیم بیم داشتم ولی این برادران مؤمن و رهبران موجود در داخل و خارج به چگونگی ساخت و تشکیل این رهبری آشنا بودند.

خدا را باید شکر کرد که شخصی همچون برادر ابو عبدالله اکنون در جایگاه پیشستاز در جنبش جهاد قرار دارد و ما همیشه احساس آرامش برای او و آرامش برای اخلاق، ایمان او و در پافشاری او می‌کنیم. آری ابوعبدالله همه جایگاه‌های آسودگی را که در ایالات متحده آمریکا و در دانشگاه‌های ایالت فلوریدا داشت رها کرد و ایشان به من اطلاع داد وی آمده است تا عهده‌دار بر دوش گرفتن این مسئولیت دشوار شود که برای شخص او و خانواده او و فرزندان او بهای سنگینی دارد و همه مبارزان و مجاهدان آن را می‌پردازند.

خدا را شکر دکتر رمضان عبدالله جانشین خلف وی بشمار می‌رود.

هنگامی که فرزندم جهاد، به شهادت رسید، پیکر او در نزدیکی شهید فتحی شقایق خاکسپاری شد و من پیش از رفتن به قبر پسر جهاد، به قبر دکتر شقایق سر می‌زنم و به او می‌گویم که ای دکتر فتحی مواظب فرزندم جهاد که در کنار تو آرمیده است باش. او نیز جزو نسل پر امید و نوجوانی بود که همچنین مورد حمله ناجوانمر دانه صهیونیست‌ها در بیروت قرار گرفت.

خدا بیامرزد ابو ابراهیم را جنبش جهاد بزرگ‌تر و بزرگ‌تر خواهد شد و او در منتهای سعادت و خوشحالی خواهد بود که شاهد بزرگ شدن و بالندگی این جنبش باشد و این همان چیزی است که حتی در آخرت او را خوشحال خواهد کرد. برادران و هم‌زمان او، راه او که شهادت و شجاعت و داشتن ایمانی مطلق و مقاومت در برابر دشواری‌ها است را ادامه خواهند داد.

رابطه‌ای که میان ما و برادران جنبش جهاد وجود دارد روابط سیاسی و یا شخصی نیست. چون این روابط بسیار بزرگ است که لازم است روزه پیرامون ماهیت این روابط و تأثیر آن بر مبارزه در داخل فلسطین و بر جهاد و نبرد با دشمن صهیونیستی صحبت کنیم. ■

اشاعه فضا و فرهنگی بدین منظور بود. ما همیشه با هم بحث می‌کردیم که جهاد اکبری وجود دارد و جهاد اصغر، می‌گفتیم که جهاد اصغر کنونی ما نبرد با اسرائیلی‌ها است و جهاد اکبر ما تلاش برای مقابله با این فرهنگ؛ و این فرماندهی با نفوذ به رهبری ابوعمار (رحمه‌الله علیه)، وارد غزه شد که در این جا باید با تمام صراحت گفت که برادر فتحی شقایق توان درک آنچه من در این موضوع و در این نکته می‌گفتم نداشت. وی به این مسأله اکتفا می‌کرد که جهاد باید ضد رژیم اسرائیلی باشد و جبهه داخلی موضوع آسانی است و اختلاف نظری در آن وجود ندارد. دکتر فتحی شقایق نیز تلاش می‌کرد مرا متقاعد کند که هنگامی که آن‌ها (دار و دسته عرفات) وارد بخش غزه شدند و با برخی از رهبران جهاد اسلامی در غزه دیدار می‌کردند، چگونه آن‌ها نسبت به این‌ها که عضو جنبش جهاد بودند ابراز خرسندی می‌کردند و او (رحمه‌الله علیه) از این بابت ابراز رضایت می‌کرد و این سخن را برایم منتقل کرد. من به او گفتم که ما این‌ها را بیش از شما می‌شناسیم. شما تازه کار هستید و آن‌ها را نمی‌شناسید. این‌ها تظاهر به بیچارگی می‌کنند تا توانمند شوند. پس از مدتی این‌هایی که از تونس به این جا آمده بودند اقدامات قهرآمیز خود را علیه مبارزان و مجاهدانی که نسبت به ادامه جهاد علیه دشمن اسرائیلی اعتقاد داشتند آغاز کردند و به این روش خود اکتفا نموده بلکه این‌هایی که از تونس آمده بودند را هم بازداشت کرده

#### شهادت فتحی شقایق



**شهید شقایق هنگامی که از دانشگاه فارغ التحصیل شد با من صحبت کرد و تمایل خود را به اشتغال به کار طبابت در شهر قدس ابراز داشت و اندیشه جهاد اسلامی را نوید می‌داد و من مطمئن هستم که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) در اندیشه و دل او اثر بسزایی گذاشته است.**

